

گزارشی از روند ممیزی کتاب در دولت خاتمی

در گفت و گو با: مجید صیادی

مدیر پیشین مراکز و روابط فرهنگی ارشاد اسلامی

● بحث اصلی این است که در اداره ارشاد ضوابط خاصی در رابطه با کتاب وجود دارد که بر طبق آن اداره کتاب وزارت ارشاد کتاب‌ها را بررسی کرده و به آن‌ها مجوز می‌دهد اما طی ماه‌های اخیر وضعیت به گونه‌ای شده است مبنی بر این که گویا نوعی اعمال سلیقه در اعطای مجوز به کتاب‌ها صورت می‌گیرد که عبارتند از تاخیر در دادن مجوز و یا حتی در بحث اعلام وصول‌ها. بر این اساس ما می‌خواستیم ببینیم چگونه باید عمل کرد و یا این که اساساً چه اقداماتی کرد تا این اعمال سلیقه‌ها صورت نگیرد و طبق قانون، آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها اجرا شود که به گمانم در حال حاضر تنها آیین‌نامه همان آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی است؟

من ابتدا در این خصوص مجبورم تاریخچه‌ای را عرض کنم تا بتوانم وارد بحث شویم. از زمان تشکیل دولت دوم خرداد یکی از مسائلی که وجود داشت همین مساله





شش گاه و سه شب
و طاعات فرستی
و اسمائی

طرح: والتین دروژین از اکراین

V. DRUZHININ

کتاب در دل مسائل کلان فرهنگی بود. روی یک مساله همه اتفاق نظر داشتند و آن این بود که نظارت را نمی‌شود سلیقه‌ای اعمال کرد. در نظر و تئوری همه با این موافقتند. چرا این سوال در آن زمان مطرح بود؟ چون مسائلی از این دست اتفاق افتاده بود. همیشه گلایه‌هایی از نویسندگان و ناشران می‌شنیدیم. در آن زمان مشخص شد که ما در این زمینه قانون مدون و مصوب مجلس نداریم. بنابراین اولین اقدام اساسی که در این زمینه صورت گرفت این بود که جمعی از صاحب‌نظران و نویسندگان، مدیران بخش‌های مختلف حوزه فرهنگ و ... گرد آمدند تا پیش نویس قانونی را در این زمینه تدوین کنند. این اولین اقدام بود برای خروج از این مشکل. در کنار این جمع خود ناشران هم به صرافت افتاده و به موازات این جمع از دیدگاه خودشان با توجه به خواسته‌های صنفی و ... که دارند جمعی تشکیل دادند تا پیشنهادی ارائه نمایند. حاصل این اقدامات دو پیش نویس شد که یکی را وزارت ارشاد انجام داده بود تا در نهایت به مجلس برود و به عنوان قانون تصویب شود و یکی دیگر را هم ناشران با محوریت اتحادیه ناشران تهران تدوین کرده بودند. اما هیچ یک از این اقدامات به تصویب نرسید. البته یادم هست آن چه وزارت ارشاد تهیه کرده بود به عنوان لایحه به دولت رفت اما به مجلس ارائه نشد

● بنابراین به نظر شما در آن مقطع خود دولت به این نتیجه رسید که

این را به عنوان لایحه برای تصویب به مجلس ارائه ندهد؟

دقیقاً نمی‌دانم چرا نرفت و از دلایل آن هم چیزی نمی‌دانم. البته باید روی این پیشنهاد کار می‌شد اما به هر حال تنها پیشنهاد آن زمان بود. البته من فکر می‌کنم تجربه تعویض قانون مطبوعات در آن زمان باعث شد که دولت برای ارائه این قانون به مجلس کمی خویشتن داری کند تا زمان برای ارائه آن مناسب شود. پس یک تلاشی انجام شد اما به نتیجه نرسید. اما گام بعدی چه بود؟ این بود که همان چیزی که از قبل در مورد نشر وجود دارد اجرا شود. تنها قانون در آن زمان مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. گفتیم حالا که قانون دیگری نیست بیایم همان مصوبه را اجرا کنیم چرا که فکر کردیم هر راه دیگری فعلاً میسر نیست و یا طولانی خواهد بود.

● ظرفیت‌های این مصوبه با توجه به آن زمان به نظر من پتانسیل‌های



بسیار خوبی داشت به خصوص در رابطه با نشر بخش بزرگسالان که آمده بود. کتاب‌های بخش بزرگسالان باید بعد از چاپ بررسی شود. بنابراین به نظر شما اصلاً تلاشی شد که این ظرفیت‌ها به منتقدین شناسانده شود ... و یا این مسأله به روحانیون و یا منتقدین ارائه شد که مثلاً چنین قانون مصوبی هم وجود دارد. اصلاً سازمان‌ها و مراکز و افراد معترض در آن زمان آیا اطلاع داشتند از این که چنین چیزی هم وجود دارد؟

در واقع بعد از این که ارشاد متوجه شد راه تصویب قانون دیگری طولانی است، رفت به این سمت که همان قانون قبلی که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی بود اجرا شود و در کنار آن اقدامات مختلف دیگری صورت گرفت، مثلاً این مصوبه به صورت یک جا چاپ شد و در اختیار ناشران قرار داده شد تا از آن خبر داشته باشند. گام بعدی این بود که بند به بند این مصوبه را اجرا کنیم. بحث مهم و شاه‌بیت این مصوبه این بود که اعمال نظارت توسط چه نهادی انجام شود؟ توسط چه نهادی و در کدام مرحله از تولید کتاب اعمال شود؟ این بحث بسیار مهمی بود و آیا اساساً تفاوتی وجود دارد در اعمال نظارت بر کتاب بزرگسالان و کتاب خردسالان و یا خیر. در این مصوبه ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد و ما معتقد بودیم که این مصوبه می‌تواند به بسیاری از مشکلاتی که سال‌های سال نشر کشور با آن روبرو بوده پاسخ دهد و به نحوی هم پاسخگو باشد که حقوق مردم در آن رعایت شود. یعنی هم حقوق مردم و هم حقوق حاکمیت در آن لحاظ شده بود. اما مشکل کجا بود؟ اصل مشکل بعدها مشخص شد یعنی بسیاری از کسانی که خودشان را ذیحق می‌دانستند که در مورد کتاب و نشر اظهار نظر کنند اساساً از وجود چنین مصوبه‌ای بی‌اطلاع بودند. نتیجه چه شد؟ هر کسی از ظن خود شد یار من. چون گمان می‌کردند چنین ملاکی وجود ندارد. سعی ما این بود که چنین ملاکی را بشناسانیم.

پس از بحث و بررسی بسیار متوجه شدیم که مثلاً در مورد کتاب بزرگسالان و کودک تفکیکی قائل شده است در بررسی و نظارت. دوم دیدیم در این مصوبه آمده است که نظارت بر کتاب بزرگسالان بعد از چاپ باید اعمال شود نه قبل از چاپ دقیقاً



مثل روزنامه و مطبوعات. معنای این کار چیست؟ این است که این مصوبات را باید به ناشر داد تا ناشر از آن آگاه باشد و با رعایت آن ها اقدام به نشر کتاب نماید.»

● **خب حالا مجلس که این قانون را تصویب نکرده است چگونه می‌تواند روی آن اعمال نظارت کند؟**

این از آن مشکلاتی است که کسانی که به لحاظ حقوقی صلاحیت و توانش را دارند باید برای آن پاسخی بیابند. چون این یکی از سوالاتی است که واقعاً به طور جدی در این حوزه مطرح بوده و ما با آن دست به گریبان بودیم اما ما به عنوان دستگاه دولتی موظف بودیم که آن را اجرا کنیم. بنابراین برای اجرای آن ما موظف بودیم که نظارت را بعد از چاپ برای کتاب بزرگسالان اعمال می‌کردیم. اما مکانیزم این نظارت چه بود؟ باید شورای نظارت را بعد از چاپ برای کتاب بزرگسالان اعمال می‌کردیم. اما مکانیزم این نظارت چه بود؟ باید شورای نظارت تشکیل می‌دادیم. از افرادی که شورای فرهنگ عمومی کشور معرفی می‌کند و آن ها بودند که تشخیص می‌دادند. این کتابی که چاپ شده است منطبق بر ضوابط است یا خیر.

البته در میان ناشران نسبت به نظارت پس از چاپ دافعه‌ای وجود داشت به این دلیل که آن ها سال‌های سال به شکل دیگری کار کرده بودند. آن ها سال‌ها به این روش کار کرده بودند که مسؤولیتی متوجه آنان نباشد. آن ها کتاب را به ارشاد ارائه می‌دادند و خواستار مجوز چاپ آن می‌شدند. بنابراین تمام مسوولیت متوجه ارشاد بود.

● **یادم هست در همان زمان‌ها خود آقای مهاجرانی هم چند بار اعلام کرد که خود ناشران کتاب را با نظارت خودشان چاپ کنند که با استقبال ناشران مواجه نشد. بنابراین پس از این برخوردها چه مکانیسمی را درپیش گرفتید که برخی از ناشران بدون اخذ مجوز با رعایت آن ضوابط اقدام به چاپ کتاب کنند؟**

ما در آن زمان گفتیم قدم به قدم جلوتر برویم، ابتدا این طرح را از ناشران فعال و با تجربه آغاز کردیم. معیار این بود که ناشری که حداقل یک صد عنوان کتاب چاپ کرده باشد و یا ۱۰ سال فعالیت مستمر داشته باشد و هم چنین پروانه نشر دائم



داشته باشند. به آن‌ها گفتیم بر طبق این قانون کتاب چاپ کند مجوز قبل از چاپ هم لازم نیست. اما به این قانون عمل کنید و اگر هم از قانون عدول کردید، باید جوابگو باشید. این کار را به صورت آزمایشی آغاز کردیم تا سپس به بررسی آن بپردازیم. این کار حدود یک سال اجرا شد. روی این کار تبلیغاتی هم صورت نگرفت. هدف این بود که ببینیم آیا نشر ما به جایی رسیده که چنین عملی را با موفقیت انجام دهد یا نه؟ نتیجه تست این شد که بعد از یک سال هیچ کتابی نبود که ناشران بر اساس مسؤلیت خودشان به چاپ رسانیده باشند و خلاف ضوابط هم تشخیص داده شود.

● دلیل آن به نظر شما چه بود؟

به نظر من یکی از دلایلیش بلوغ ناشران بود. ناشران باتجربه بودند. هم چنین از قانون آگاهی داشتند و نیز حساسیت‌ها را می‌دانستند که خودشان خارج از آن چارچوب عمل نکردند.»

● من اعتقاد دارم که حاکمیت در رابطه با شهروندان باید دوفاکتور را در نظر بگیرد که یکی اعتماد است و دیگری تحمل. یعنی حاکمیت در جایگاه یک پدر می‌نشیند و فرزندش را برای این که به جایگاهی برسد اول باید به آن اعتماد کند و دوم این که اگر خطایی از او سر زد باید تحمل کند. من گمان می‌کنم این عنصر اعتماد بین ناشران و حاکمیت در آن زمان ایجاد شده بود و از سوی دیگر به نظر می‌رسد در آثار پدید آمده در آن زمان شاید برخی خطاها هم دیده شود اما در حاکمیت تحمل نیز وجود داشت تا ناشران بر طبق حقوقشان که باید کتاب چاپ کنند اقدام به این کار کردند و خوشبختانه این کارنامه نشان داد که ناشران از این مسئله سوء استفاده نکردند این مساله بسیار مهمی است که کمتر پس از انقلاب اتفاق افتاده و اندک گشایش‌هایی که ایجاد شده بود سرانجام به علت تناقض در خود مجموعه حاکمیت از بین رفت. چرا که در حاکمیت دو تفسیر ایجاد شد. یکی می‌گفت ما باید این مسائل را تحمل کنیم تا مثلاً ناشران به بلوغ برسند و تفسیر دیگر معتقد به این روند نبود. اگر این مساله تصویب می‌شد مثل قانون



مطبوعات و ... تجربه بسیار خوبی می‌شد و اگر در این میان نیز کسی شکایت داشت شاکی خصوصی بود می‌توانست شکایت کند و دادگاه به شکایت او رسیدگی می‌کرد. حتی معدود شکایت‌هایی که صورت گرفت به جز یکی دو مورد مثلاً در مورد کتاب "زنان پرده‌نشین" و "نخبگان جوشن‌پوش" حکمی که دادگاه صادر کرد در واقع ناشر را تبرئه کرد.

در آن روش هیچ کتابی غیر مجاز تشخیص داده نشد. جلسه‌ای با چند تن از بزرگان از جمله آقای خرمشاهی بودند که ایشان گفت طی سال‌های اخیر اگر وزارت ارشاد هیچ کاری نکرده باشد و فقط دیوار بی‌اعتمادی بین وزارت ارشاد و جامعه نشر کوتاه شده باشد همین یک خدمت آن کفایت می‌کند.

حتی من یادم هست در مراسم تودیع شما در سال ۸۳ خانم لاهیجی که اغلب منتقد دولت است صراحتاً اعلام کرد که برای اولین بار است که ما فکر نمی‌کردیم که در مقابل میز دولت قرار داریم بلکه گمان می‌کردیم در کنار آن هستیم.

بله اما یک باره بحث بی‌سابقه‌ای رخ داد و آن احضار نویسنده و ناشر و مسوولین وزارت ارشاد بود. حتی یادم است که خبرنگاری که اخباری مربوط به کتاب زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش را کار کرده بود، احضار کردند. این در حالی بود که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با کتاب و نشر همه دستگاه‌های دیگر موظف هستند خودشان را با وزارت ارشاد هم آهنگ کنند و مثلاً اگر وزارت ارشاد گفت فلان کتاب غیرقانونی است، نیروی انتظامی باید برود و آن را جمع‌آوری کند و یا اگر وزارت ارشاد گفت مجوز دارد سایر دستگاه‌ها نباید اجازه دهند کسی به آن تعرض کند. یعنی مسوول اجرای این قانون وزارت ارشاد است و بقیه باید با او هم آهنگ باشند اما به یک باره اتفاق دیگری افتاد.

● چندی قبل خبرنگاری از آقای شجاعی پرسید چرا اداره اماکن برخی کتب را جمع‌آوری می‌کند؟ ایشان پاسخ داد من در جریان نیستم. اما



حداقل انتظار این است که لاقلاً طبق این مصوبه و آیین‌نامه آقای شعاعی به عنوان معاون وزیر بگوید که این‌ها طبق آیین‌نامه حق ندارند چنین کاری کنند اما ایشان تنها به اعلام این نکته اکتفا کرد که اطلاعی ندارم.

این مصوبه ظرفیت‌های بسیاری دارد. اکنون آن بحث اعمال سلیقه که بحثش است در واقع هیچ ملاک قانونی ندارد. البته من شنیدم که اعلام کردند قصد دارند مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را اجرا کنند. اگر درست باشد این خبر بسیار خوبی است. اگر این اجرا شود بسیاری از گلایه‌ها از بین می‌رود. لازم است بدانید که بعدها هیأت پی‌گیری قانون اساسی نظر وزارت ارشاد را در رابطه با نظارت بر نشر که ما اعلام کردیم تأیید کرد یعنی اعلام کردند که نظارت قبل از چاپ خلاف این مصوبه و خلاف قانون اساسی است. یعنی یک دستگاه کاملاً تخصصی و حقوقی بر اساس شکوائیه اتحادیه ناشران و کتابفروشان اعلام کرد که نظارت بر کتاب بزرگسالان قبل از چاپ غیرقانونی است. کسانی که قصد دارند قضاوت کنند باید بروند عملکرد ناشران را در زمان اجرای یک ساله آن بسنجند. ناشران ما در آن یک سال بسیار خوب عمل کردند، اصلاً ناشر از یک نهاد تکثیرکننده و تنظیم‌کننده بازار به یک محل تولید فکر و اندیشه تبدیل شد. ناشران خودشان به نظارت و ارزشیابی پرداختند. اما اتفاقاتی افتاد و دستگاه‌های دیگر وارد نشر شدند و سبب شد که متأسفانه این مصوبه به دست فراموشی سپرده شود. این نکته را هم اضافه کنم که به هر جایی مراجعه می‌کردیم از جمله دادگاه‌ها، هیچ‌کس از وجود این مصوبه آگاه نبود. مثلاً برخی از طلاب و روحانیون نسبت به برخی از کتاب‌ها حساسیت داشتند، ما باید توضیح می‌دادیم. اول توضیح می‌دادیم که شما با یک ملاک این کتاب‌ها را ارزش گذاری کرده‌اید درحالی که ملاک‌های ما چیز دیگری است. ما موظف به اجرای ملاک‌های دیگری هستیم و آن وقت مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را ارائه می‌دادیم. گفتیم نمی‌شود هر کس برای خودش ملاک داشته باشد. ما می‌گفتیم اگر این مصوبه قانون است چیز دیگری می‌گوید.



مثلاً گزارش دادند که فلان کتاب‌ها بازاری است و نباید چاپ شود. ولی ما می‌گفتیم قبول، بازاری است اما غیرقانونی نیست. همه دستگاه‌ها می‌گویند بפק فاقد ارزش غذایی است اما آیا تولید آن ممنوع است. بازاری بودن از نظر ما غیرقانونی نبود. ما گفتیم که به این کتاب‌ها امکانات ویژه نمی‌دهیم و جایزه هم نمی‌دهیم اما می‌تواند چاپ شود.

● البته باید توجه داشت که این کتاب‌ها با استقبال هم مواجه می‌شوند پس توجه اقتصادی دارد. یعنی در واقع ناشر با یک سری امکان سنجی اقتصادی اقدام به چاپ این گونه کتاب‌ها می‌کند. باید توجه کنیم که در همه حوزه‌ها کتاب‌های بازاری هست. حتی حوزه دین، ادبیات، آموزشی و تاریخ و ... و این به آن دلیل است که آگاهی اجتماعی وجود ندارد.

بنابراین ما با این مشکل روبرو بودیم که ملاک‌های متفاوتی وجود داشت و هم چنین بسیاری از وجود مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اطلاع نداشتند و برخی هم که بعداً اطلاع حاصل می‌کردند قبول نمی‌کردند. به عنوان مثال به اتفاق جناب مسجد جامعی زمانی که وزیر بود در جلسه‌ای در قم شرکت داشتم. وقتی بحث به این جا رسید که ملاک ما مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و این مصوبه یک سری مسائل را خلاف نمی‌داند مثل: «کتب تحلیلی و علمی که در زمینه مکاتب‌الحادی و غیر آن که فاقد موضع گیری تبلیغی و ترویجی باشد از شمول حدود بندهای قانونی خارج است» یعنی می‌تواند منتشر شود. وقتی این بندها را می‌خواندم و یا بندهایی که می‌گفتم لاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی اضلال درمورد کتب مضله تأثیر و فعلیت است یعنی تأثیر و عمل بعد از چاپ مشخص شود، می‌گفتند این مصوبه در شرایط خاصی تدوین شده است و باید تغییر کند ما هم گفتیم قبول تغییر دهید اما تا آن زمان که چیز جدیدی ابلاغ نشده ما مجبور به اجرای همین مصوبه هستیم.

● چرا در آن زمان رئیس جمهور و یا آقای مسجد جامعی در مقابل این وضعیت ایستادگی نکردند و حتی شنیدم که آقای مسجد جامعی نامه‌ای هم به آقای خاتمی در همین مورد نوشته است. به نظر می‌رسد اگر



قرار بود ایستادگی بشود یقیناً بهتر می‌شد به نتایج خوبی رسید. در واقع باید گفت که مجموعه وزارت ارشاد در این قضیه کوتاه آمد و کار به جایی رسید که برخلاف عرف حتی تعدادی از بررسیین کتاب هم به دادگستری احضار شدند که این ها کارهای قانونی نبود که امیدوارم که در دوره جدید که وزیر ارشاد گفته است آن قانون را اجرا می‌کند دوباره تکرار نشود.

بررسی عملکرد وزارت ارشاد و دولت در این خصوص بحث مفصلی است که بهتر است در جای دیگری به آن پرداخته شود اما امیدوارم کسانی که اکنون مسوولیت دارند از این تجربه‌هایی که اتفاق افتاده استفاده کنند. کسانی که اکنون مسوولیت دارند بدانند مادامی که یک ملاک ولو این که این ملاک ضعف داشته باشد وجود ندارد دائماً در مظان اتهام خواهند بود نسبت به اینکه اعمال سلیقه کرده‌اند. اکنون دیگر مسائل سال‌های قبل نیست و دستگاه‌ها با هم هم آهنگ هستند. اگر هم این مصوبه اشکال دارد قانون دیگری به تصویب برسانند اما این را بدانند که تا آن زمان همین مصوبه باید اجرا شود ولی نمی‌شود در این مصوبه بندهایی از آن را برجسته کرد و بندهایی را اجرا نکرد.

بنابراین تمام تلاشی که در آن زمان صورت گرفت در راستای قانونمند شدن است. من یادم است برخی دستگاه‌ها اعتراض داشتند معتقد بودند اجرای برخی از مسائل دیگر به مصلحت نیست. مثلاً می‌گفتند کتاب‌هایی که در مورد جدایی دین از سیاست نوشته شده است را مجوز ندهید ما می‌گفتیم که این مسئله در این مصوبه نیامده است. می‌گفتند شما اضافه کنید. اعتقاد ما این بود که ما قانونگذار نیستیم. بعد این کار عواقب دیگری هم داشت. مثلاً در همین رابطه باید دیگر به بسیاری از کتاب‌های علمای اسلامی اجازه چاپ نمی‌دادیم چون به بحث جدایی دین از سیاست دامن می‌زد. در تمام دوره و در تمام پرونده‌هایی که داشتیم بحث ما همین بود اما متأسفانه در هیچ کدام رأی بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر نشد. دستگاه‌ها و مراکزی غیر از دستگاه‌های دولتی بودند که به خودشان اجازه می‌دادند دخالت کنند و این مصوبه را قبول نداشتند.



در آن زمان ما قصد داشتیم مکانیسمی را اجرا کنیم برای به حداقل رسانیدن اعمال سلیقه. قدم اول تنظیم قانون بود که ناکام ماند و قدم بعدی اجرای همین مصوبه بود که مدتی موفق شدیم و آن بخش‌هایی که موفق نشدیم به آن علت بود که دستگاه‌هایی وارد شدند مانند دستگاه قضایی، نیروی انتظامی و مراکز دیگر...

که نتیجه این شد ارشاد از بخشی از این ضوابط دست کشید. آن بخش این بود حالا که اجازه نمی‌دهند خود ناشر بدون مجوز کتاب چاپ کند پس وزارت ارشاد مجوز قبل از چاپ بدهد اما ملاک آن در اعطای مجوز همین مصوبه باشد.

یعنی به بررسی کتاب اعلام کردیم فقط با این مصوبه به بررسی کتاب بپردازید و یا کتابی را که غیرمجاز تشخیص می‌دهید باید براساس یکی از موارد این مصوبه باشد. چون اگر در این مسیر مصوبه و آیین‌نامه‌ای نباشد قضیه کشدار می‌شود. من یادم هست در همان جلسه‌ای که در قم بودیم این بحث مطرح شد که جدای همه مسائل مثلاً شما حضری فلان کتاب را در میان خانواده با صدای بلند بخوانید. من هم آنجا عرض کردم اگر ملاک این است که من حتی نمی‌توانم خیلی از قسمت‌های رساله علمیه، دفترهایی از مثنوی معنوی، بوستان و گلستان سعدی و مانند آن را هم برای فرزندم بخوانم. این خیلی ملاک خطرناکی است. در ثانی اگر قرار باشد خواندن جلوی خانواده و فرزند ملاک باشد ابتدا باید مشخص کنیم که کدام خانواده و بچه را معیار قرار دهیم.

اگر کتاب را کالا بدانیم باید گفت برخی کالاها برای همه مصرف‌کننده‌ها تولید نمی‌شود. مثلاً دارو برای مسائل پزشکی است. آیا می‌توانیم بگوییم که دارو تولید نشود. چون ممکن است مثلاً بچه‌ای آن را بخورد! در این مورد مثال‌ها فراوان است.

● در ایران این مسائل بسیار زیاد است چون ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بسیار عرفی است و قانونمند نیست و فکر می‌کنم که در دوره اصلاحات هم به این نتیجه رسیده‌ایم. مثلاً آقای نیلی در خاطراتش در رابطه با استراتژی توسعه صنعتی می‌گوید که هر چه تصویب می‌شد آقایان رد می‌کردند اما من رفتم و برای آن‌ها توضیح دادم تا تصویب شود. آقای نیلی تقریباً یک سال این قضیه را ادامه داد تا استراتژی



تصویب شد. در حوزه‌های دیگر هم این گونه است. همیشه این نگرانی وجود داشت بخشی از این نگرانی ناآگاهانه است و بخشی دیگر نگرانی آگاهانه توأم با حسن نیت است. به نظر من در دوره اول دولت خاتمی این دوراندیشی و درایت مورد توجه قرار نگرفت که با بخشی از این گروه‌ها تعامل شود تا قانع شوند. نظر شما این نیست که در آن زمان نتوانستند این گروه‌ها را قانع کرده و با آن‌ها تعامل کنند؟

ببینید آن عرفی را که می‌گویید در قانون خودش را نشان می‌دهد. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آن عرف را در نظر داشته است. اما در بخش تعامل باید بگویم که بحث درستی است ولی کار اگر به جایی برسد که لجاجت شود دیگر شما هر کاری بکنید بی‌فایده است. وزارت ارشاد تلاش کرد اعتمادسازی کند و کرد اما هر کاری می‌کردیم برخی اعتماد نمی‌کردند و قانع نمی‌شدند. ببینید بررسی کتاب ما کسی بود که شرح نهج البلاغه را نوشته و علمای تراز اول او را تایید کردند اما همین بررسی را به دادگاه بردند و برخوردی با او می‌شود که در شان هیچ کسی نبود چرا؟ چون برخی از آن‌ها از قبل تصمیم خودشان را گرفته‌اند. آن‌ها دیگر نمی‌خواهند اعتماد کنند. آن گروه‌هایی که شما می‌گویید این گونه بودند. ما می‌گفتیم با توجه به قانون هر جا ما اشتباه کرده‌ایم به ما اعلام کنید ما بررسی می‌کنیم. حتی یک مورد کتاب معرفی نمی‌کردند. اما توقع آن‌ها این بود که ملاک ما هستیم ما هر چه می‌گوییم درست است. شما این مصوبه را اجرا نکن بلکه مصلحتی را که ما می‌گوییم اجرا کنید.

● **بله همین طور است. مثلاً این مساله که بدنه نشر کشور را جامعه و عرف تشکیل می‌دهند و همین عرف وقتی در همان یک سال اجرای نشر را به عهده گرفت خلاف عرف جامعه حرکت نکرد. حتی کتاب بسیار غربیی را زیر سوال نمی‌برد حتی ناشرانی بودند که کتاب‌هایی را که در حوزه دین به چاپ می‌رسید اما چون ممکن بود مسائلی ایجاد کند قبل از چاپ می‌دادند کسی می‌خواند و آرای آن نویسنده را نقد می‌کرد و بعد مثلاً می‌دیدیم کتاب با ۵۰ صفحه نقد به عنوان مقدمه به چاپ**



رسیده است. بنابراین، این نشان می‌دهد قانون اجرا شود.

بیشترین تلاش و انرژی ما صرف همین کار می‌شد که توضیح دهیم. عده‌ای بی‌اطلاع بودند از وجود مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وقتی هم که آگاه می‌شدند قبول نمی‌کردند شما در مقابل این چه کار باید بکنید؟ کاری نمی‌شد کرد. البته شاید ما بیش از اندازه دنبال توضیح دادن بودیم. اصلاً نیاز نبود ما این همه توضیح دهیم. مثلاً می‌پرسیدند که شما فلان کتاب را قبول دارید می‌گفتیم نه. آن وقت می‌پرسیدند پس چرا مجوز چاپ دادید. ببینید اصلاً قرار نیست که هر آن چه مطابق سلیقه ماست چاپ شود بلکه هر چه مطابق این قانون است می‌تواند منتشر شود. برای آن‌ها قابل قبول نبود که کسی مخالف کتابی باشد و به آن مجوز چاپ بدهد از نظر آن‌ها این عملی غریب بود. و وقتی ارشاد به ناچار عقب‌نشینی کرد در واقع این طور شد که ارشاد قبل از چاپ مجوز می‌داد اما براساس این مصوبه. اکنون شنیده‌ام که کتاب‌هایی که قبلاً بررسی شده و مجوز چاپ داده‌اند دوباره بررسی می‌شود. یعنی آن اعتمادی که شما می‌گویید نه تنها به ناشران بلکه به دولت هم نیست. اما این کار خلاف قانون است چون در مورد مشابهی نویسنده شکایت کرد و دادگاه حق را به نویسنده داد بنابراین بر اساس وحدت رویه‌ای که در دادگاه است نویسنده می‌تواند شکایت کند و تصور می‌شود دادگاه حق را براساس رای قبلی به نویسنده خواهد داد و سابقه هم در این مورد وجود دارد.

● **گویا بر همین اساس اتحادیه ناشران از آقای خاتمی می‌خواهد که**

موارد نقض قانون اساسی را پی‌گیری کند که هیات پی‌گیری و نظارت

بر اجرای قانون اساسی هم مستندات مهمی منتشر می‌کند؟

بله آن نامه و پاسخ هیات پی‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی سند مهمی است. هم استدلال‌های اتحادیه و هم توضیحات هیات. که هر دو در کتابی که امسال با نام «وظیفه دشوار نظارت، بر اجرای قانون اساسی» منتشر شد آمده است. اما متأسفانه نظریه هیات تا آن زمان به دست ما نرسید. نه تنها به دست ما نرسید بلکه متأسفانه تا آن جا که من می‌دانم به اتحادیه نیز نرسید. نمی‌دانم که اتحادیه پس از اطلاع از آن آیا موضوع را پی‌گیری کرده است یا خیر؟ اما مطالعه نامه اتحادیه و پاسخ



هیات هم برای مسوولت حوزه کتاب و هم برای ناشران و نویسندگان و همه کسانی که می‌خواهند درباره نظارت بر کتاب اظهار نظر کنند مفید است.

● **با توجه به صحبت‌های شما می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که شما مخالف ممیزی کتاب بزرگسالان یا سانسور قبل از چاپ هستید اما عملاً در سال‌های آخر حضورتان در وزارت ارشاد در این جایگاه قرار داشتید، این را چگونه توجیه می‌کنید؟**

درست است. مخالفت من با ممیزی قبل از چاپ کتاب بزرگسالان هم مبنای عقلی دارد هم مبنای قانونی. زمانی که پیشنهاد واگذاری مسوولیت انتشار کتاب بزرگسالان به ناشران را ارائه کردم نیز به همین مبناها اشاره کردم.

ممیزی قبل از چاپ نه مفید است و نه در شرایط حاضر که شاهد فراگیری رسانه‌های مختلف و تکنولوژی چاپ و تکثیر هستیم، ممکن است. نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز می‌باشد. و نتیجه‌ای جز تحریص مخاطب به سمت کتاب‌هایی که از کانال‌های غیررسمی منتشر شده‌اند و متهم شدن دولت و حاکمیت به نقض حقوق بشر، تحدید آزادی بیان و عدم پایبندی به قانون اساسی ندارد. پذیرفتن مسوولیت اداره کتاب نیز، فراغ از شرایط ویژه دارای آن زمان، به دلیل استفاده از اختیارات قانونی برای عملی کردن این مهم بود.

ناگزیرم برای جلوگیری از سوءبرداشت توضیح دهم که مخالفت با ممیزی قبل از چاپ به معنای مخالفت با نظارت نیست. چون اصل نظارت هم عقلانی است و هم قانونی. بلکه منظور اولاً نظارت بعد از چاپ است و ثانیاً نظارت باید قانونی باشد نه سلیقه‌ای. ■

منبع: روزنامه اعتماد ملی

اشاره: مصاحبه کنندگان، ابوالحسن مختاباد و مجید یوسفی

